

مرحوم به عین حیات خود نموده بودند چونکه خان مرحوم انتقال کرد رسم در التوا تا اندازه اولاد ^{سلطان} جاه مرحوم هیچ نیست مگر آل دارد -

کیفیت وقار الدوله مرحوم

وقار الدوله نصیب یار خان چندان در عرصه نبود مگر وقار الدوله اول در مصاحبین رکن الدوله بصوبه داری بلده فرخنده بنیاد و نیز سرفرازی یا قیام بود بعد انتقال رکن الدوله در مزاج غفران تاب دحل یافته اکثر امورات مدارا الهامی اش از نازدن غلام سید خان مرحوم اجرای می نمودند در سال ۱۲۹۱ خود را انتقال کردند - کیفیت ضیاء الملک بهادر ولد منتظم الدوله منتظم جنگ ابن ابوالفتح خان که بهادر کلان احسن الدوله بیکتاز جنگ که در عهد حضرت غفران غاکب چندی دیوانی عالیجاه مرحوم نموده بودند و در عهد صلابت جنگ تاشکشااه وقتیکه شاه نواز خان خان نشین شدند ابوالفتح خان مسطور سرانجام دیوانی دادند و منتظم الدوله بهادر پیر ضیاء الملک بهادر از جاگیر پنجم ار دو پیه سرفرازی داشتند نام زوجه منتظم الدوله بهادر فرحت النساء بگرم چهارم شعبان ۱۲۳۱ هجری انتقال کردند رسم شادی ضیاء الملک بهادر از ضمیمه احسن الدوله بیکتاز جنگ شده در اولاد بهادر مقرر باسم ضیاء الدوله بعمری و هفت ساله یک فرزند داشت ضیاء الدوله در رسم شادی از ضمیمه طالب جنگ ولد حق الدوله شده یک پسر بعمر هفتده ساله دادند ضیاء الدوله بهادر از سرکار پنجاه سوار اند در وقتیکه غلام سید خان مرحوم به پونا رفتند و بعد آن مختار الامر بهادر چندی در مصاحبت حضور یوزمانند با استصواب بهادر مقرر از سوی حسام الدوله ولد به نظیر جنگ بهادر خدمت عرض بیگی سرفراز شدند چنانچه تا حال همان علاقه سرفراز اند در سال ۱۲۳۱ هجری که ضیاء الدوله بر اسم شادی دختران خود به چینا پلین رفتند با فرزندان عظیم الدوله شادی کردند بندگان غافل ناخوش شده علاقه عرض بیگی موقوف کردند در ۱۳۳۱ جمادی الاول ۱۲۳۲ هجری ضیاء الملک بهادر رحلت کردند کیفیت شیخ ابوالخیر خان متوطن شکوه آباد که در هندوستان واقع است از سفر بر با پور همراه مغفرت تاب رقیق شدند غرت و اعتبار بسیار بود در اولاد او شان فرزند کلان ابوالبرکات خان فرزند خورد ابوالفتح خان بعد انتقال والد خود ابوالفتح خان از خطاب ابوالخیر خان بهادر تیغ جنگ شمس الهام

سرکار دولت مدار سر فرزند بعد انتقال از سلطو جاہ مرحوم بعد از اتمام ایام زیاده اند
 دختر داشتند هر دو به غیر الملک بہادر منسوب شدند سرگاہ دختر نخستین انتقال نمود و در
 یکی قرار یافت چنانچہ در ذکر ایشان پیشتر گذشت کیفیت اعتراف الملک بہادر
 میر کاظم با شہ نجات بنیاد بود و حساب قلعہ خام دولت آباد داشت در عهد غفران بہ حساب
 رکن الدولہ بر عہدہ منشی گیری حضور پر نور سر فرزند یافتند خدمت منشی گیری از عرصہ سی و نہ سال
 و مع کیفیت اعتراف الملک بہادر شہاب جنگ میر رضا علی شہاب جنگ برادر اعتراف الملک
 منشی در رفاقت نواب صلایت جنگ از قلعہ داری دولت آباد سر فرزند بود میر حیدر خان
 کہ نام اصلی منشی مسطور است در حضور بندگانی ملازم گردید و سر انجام امور منشی گیری با اعلیٰ
 فی نمود حضرت بندگان عالی بہ خطاب اعتراف الملک بہادر سر فرزند فرمودند غلام سید خان کو
 بعد آمدن پونا کار منشی گیری حضور از اسماعیل یار جنگ میگرفتند بعد انتقال غلام سید خان
 مرحوم میر عالم مغفور امور منشی گیری حضور از اعتراف الملک بہادر گرفتند الحال از باعث صنعتی
 بہادر مغز استیفاء داده رشید والہ فرزند کلان خود را در حضور باشی مقرر نمودند و از اعتراف
 الملک بہادر پنج فرزند اند کلان رشید الدولہ بہادر کہ بر کار منشی گیری و قلعہ داری دولت
 مہور و شادی بہادر مذکور از دختر سر فرزند الملک بہادر رشید دو فرزند دارند یکی میر حسین
 و دیگری میر صادق علی پسر دومی اعتراف الملک و حید الدولہ قلعہ داری قلعہ پرنید اسرار از
 و از دختر غلام حسین خان شادی گردید یک فرزند موسومہ میر غلام حسین دادند موسی عباس علیخان بہادر
 شادی بہادر مغز از دختر افتخار الملک بہادر گردید یک فرزند بنام میر احمد علی دارند چہارمی میر ابرہیم
 علیخان از قلعہ داری قلعہ بہا تہرہ ممتاز دار دختر سلطان نواز خان منسوب پنجمی دلاور علیخان انتقال
 نمودند شادی مرحوم مذکور از دختر میر ابو تراب گردید دو فرزند کلان میر محمد صالح و فرزند خورد
 میر الف علی از قلعہ داری قلعہ بیالی باری سر فرزند اعتراف الملک شازدہم شوال ۱۲۳۹ ہجری
 قضا گردند رشید الدولہ اجزای کار منشی گیری و عباس علیخان خدمت عرض بیگی مامورانہ -
 کیفیت رکن الدولہ مرحوم سید محمد از سادات موسوی باشند شہر بنجا را نیز نواب غازی
 بہادر شاہ جهان آباد آمدہ ملازم شد نواب موصوف بوزت و حرمت تمام نزد خود داشتند و

برای تربیت علم ترکی متعین نواب معفرت آید نمودند نقل است معفرت آید در غزنی
 خود بطلب میر ترکی خان سرور از فرمودند و همیشه مقرب میداشتند در اولاد سید موصوف
 میر موسی خان تولد شد مد آنر مسطور چار فرزند کلان میر محمد احتشام جنگ پیشتر در حضور غفران
 آید بعد داروغگی هر کاره با سرور از بودند من بعد در سنه یک هزار و یکصد و هفتاد و هفت
 هجری به خطاب رکن و خلعت دیوانی امتیاز یافت ابراهیم خان غیره سرداران جمعیت باربار
 طلب خواه خود بر دیور می سرکار هنگامه و دنگ نمودند توپها بر دروازه نصب کردند بیچکس اند
 دیوانخانه رفقند دادند در ویش محمد خان داروغه دیوانخانه که برای فهایش آنها آمده بود اور
 ابائی توپ نشاندند رکن الدوله از جاگیر داران و اهل کاران پنجاه لک روپیه با در سجانی
 جاگیر است کار و خدمات اخذ نموده از ساپوان بعنوان قرض گرفته بینه حساب طلب بخوان
 سپاه نفایت بر طرفی ساخته آنها را شهر بد که پنجاه لک روپیه از زمیندار آن ملک سرکار بطور انحصار
 چهار تانی برقم معمولی نویسایند گرفته و قرار کرد که عهد دیوانی خود بد قولی نخواهد شد چنانچه زمیندار
 از راستی قول رکن الدوله مسطور نوعی بآبادی ملک سرگرم شدند که تحصیل از ملک مضاعف رسید
 و بیچکس از اطاعت سر نیز چید تاریخ انتقال رکن الدوله مرحوم بست و ششم صفر سنه یک هزار یکصد
 هشتاد و نه هجری که نفایت ۱۲۳۳ هجری و نه سال میشود بعد انتقال رکن الدوله حضرت غفران
 آید بنفس نفیس خود تنظیم مهام میدادند راجه راسه رایان و نانا پندت هر دو برادر اجرا کار
 میشودند و قار الدوله و همهام الدوله هر دو با اتفاق شریک مشوه کلیات حضرت غفران آید
 نا آمدن غلام سید خان مرحوم بودند و قتیکه در سنه یک هزار و نود و پنج هجری غلام سید خان حوا
 آمدند از اسبی و شش سال تا حال منقضی شده خود اجرائی کار سرکار مینمودند پس از آمدن غلام
 سید خان مرحوم و قار الدوله مذکور خود را از دست خود بخر بگوشید و از قیدیات نجات یافت
 و در اولاد رکن الدوله مرحوم یک دختر متولد شده بود که از ما کم جنگ شادی نمودند و در عمر بیخده
 سال انتقال نمود و یک منگوه باسم همتاب طوائف همیشه چند بابی مخاطب جاه نقاتا
 حال بقیدیات است فرزند دویم میر موسی خان مرحوم پدر رکن الدوله مرحوم احوال میر محمد
 حال هجرت جنگ شرف الدوله شرف الملام شرف الملک بهادر ابدار علاقه روزگار در شرف

منصبداران داشت و در عهد صلابت جنگ بمنصب خطاب خانی سر فرزند در ایامی که مدار
 المهای رکن الدوله گردید بهادر مذکور بمنصب شش هزاری و چهار هزار سوار و خطاب و عطای علم
 و تقاره و پانکی جھالروار و از پانزده لک روپیه تعلقه بیژن فتح آباد و عرف و صهارور و تعلقه نامری
 و غیره محاللات که وصول آن قریب بست لک روپیه بود و جمعیت قریب پنجاه هزار سوار و دو هزار
 بار و عرب و روپیه لادنوگری سرکار حاضر می بودند سر فرزند اشرف الملک بهادر سه پسر
 فرزند گلان بنام ضولت جنگ در قلعه زل از گوله ضرب توپ بکار بر کار تقد جان یافت
 دو پسر داد الملک بهادر که در سنه یک هزار و دو صد و بیست و هجده هجری اشغال کرد سه پسر سید
 یکی میر حسین علیخان اشرف جنگ اشرف الدوله بهادر که در سنه ۱۲۲۲ در گذشتند از ایشان یکی
 فرزند نامش میر موسی خان است اشرف الدوله بهادر جاگیر جمعیت پنجاه سوار و پنجاه بارگیر و
 پنجاه راس است بعلاقه تحویل فرزند دوم داور الملک مرحوم میر علی حسن خان محکم جنگ ایشان
 یک فرزند نامش میر احمد یار خان فرزند سوم میر علی حیدر خان تهور جنگ در علاقه جاگیر صد سوار
 و جاگیری و شش هزار و پانصد و نود روپیه نقدی دارند از ایشان یک دختر فرزند سوم میر احمد
 یار خان اشرف الملک مسطور بنام یاور الدوله بهادر که در سنه ۱۲۳۱ هجری در گذشتند سجاگیر
 ذات سر فرزند جمعیت ندارند از ایشان سه فرزند میر واجد علیخان و میر رضا علیخان و میرین بدین
 فرزند سوم میر موسی خان مذکور پدر رکن الدوله مسیحی میر از دیار خان حشمت جنگ از ایشان فرزند
 متبینه فرزند چهارم میر حامد یار خان ارسلان جنگ اولاد نینداشته اند کیفیت رفعت الملک
 بهادر سرگاه که در عهد محمد شاه بادشاه حضرت مغفرت مآب از شاه جهان آباد اراده دکن فرمودند
 سید لشکر خان نامی جد عمومی بهادر مغر را که در منصب داران بادشاهی بود همراه آورده در نواح بڑا
 روخته بنیاد و غیره از جاگیر ذات بست و پنجاه هزار سوار سر فرزند فرمودند خان مذکور از مقر بان
 حضور ماندند بعد چندی میر ظریف خان برادر خان مذکور مع زور آور جنگ نامی پدر رفت الملک
 بهادر و میر حله عم بهادر مغز از هندوستان نزد سید لشکر خان آوردند و میر ظریف خان باوردگی سید
 لشکر خان از جاگیری هزار روپیه در صوبه خجسته بنیاد و غیره سر فرزند یافتند چندی در طوس یافتند
 نام جنگ شهید لشکر خان صوبه داری خجسته بنیاد و در عهد صلابت جنگ بخجسته دیوانی هم مامور

بودند و بر وسع میر ظریف خان جدر رفت الملک سید شکر خان انتقال فرمودند و میر علی سبب
 قرابت دامادی و بیعت سید شکر خان شدند و نیز بکار نظامت حجت بنیاد در عهد حضرت عفراناب
 سرفراز و مامور بودند و زور آور جنگ بهادر در رفت الملک بهادر از رساله تغلیب باو محالات نماند
 و غیره سرفراز شد تا حال رفت الملک بهادر بدست خود عوض نه لک روپیه از محالات نماند
 و غیره در جا نداد جمعیت هفت صد سوار و هشتصد پستان جوان بار سرفراز بودند و در سینه کپزار
 و دو صد سی و پنج همی بسبب چند جو بات رعایای ناندیر و غیره عارض نالشی به حضور رسید پس
 اینجا گزرا نیند و از اینجا در باب تدارک و داد و دی ایاریت راجه چند و عمل بهادر و قریب بست لک
 روپیه بطور تاوان گرفتند و بحضور طلب کردند مقرران را بسیار چشم نائی نمودند از آن وقت از
 علاقه ناندیر مغرول و در جمعیت هم اقتصار کردند خانه نشین می باشند و رسم شادی رفت الملک
 بهادر از صبیبه میر نعمان خان عموی صیبار الملک بهادر بعمل آمده نام سپران رفت الملک بهادر
 میر نظیر علیخان و میر اکبر علیخان و میر نجف علیخان و میر دلاور علیخان و میر فتح علیخان و میر غلام
 دستگیر خان است بمجلس سپران بهادر مذکور سپر خرد بهادر مسطور در سال ۱۲۳۱ هجری فوت
 کرد شادی میر نظیر علیخان از دختر صادق میرقان نامی از اقربایان بهادر مغر و میر اکبر علیخان
 بخانه مقرب خان قلعدار بالکنده و شادی میر نجف علیخان از دختر عظمت خان نامی جاگیر دار
 بعمل آمده است و شادی دو پسر و دو صبیبه دریافت طلب و زور آور جنگ بهادر در رفت
 الملک دو برادر بودند یکی بهادر مغر و دیگری عظیم الملک بهادر بسبب بقایای سرکار عالی در
 اهلی اورنگ آباد و نا اتفاقی از سطو جاه بعد سفر بالکل گریخته چندی در ملک مرطبه اقامت یافتند
 بوقت راجه چند و عمل بهادر در بلده آمده از سرکار جاگیر بست هزار روپیه سرفراز شده
 در قصبه پر بختی ماندند - کیفیت نورالامراء مرحوم محمد قاسم خان مندل از نسل نوشیروان خان
 کیانی جد نورالامراء بهادر انواب شجاع الدوله وزیر الملک مساعده فرستاده از قصبه سلیمان
 مضافت چکر سر بند صوبه دار الحلافت شاه جهان آباد طلبداشته رساله کپزار سوار عنایت
 فرموده ملازم داشتند بعد انتقال قاسم خان مسطور و غلام کمال خان پدر نورالامراء بهادر بدست
 در سرکار وزیر الملک مدوح ماندند بعد انتقال کمال مرحوم نورالامراء بهادر بملاقه پدر خود

شدند و با عتاد قدامت در وقت نواب آصف الدوله مرحوم مع رساله فات خود یک پلین و
 چهار ضرب توپ نورالامرا بسیار بنا بر حفاظت از ملک سرحدی چهار ده لک کناره دیار
 کنگ از هر دور تا پنج پاد و پچتر گده دارانگر با ضافه در ماه پچتر از رویه سرزاری یافته
 چونکه ارسلو جاه از حیدرآباد مساعده یک لک و پنجاه هزار روپیه فرستاده اند در آنوقت نواب
 آصف الدوله اجازت رخصت ندادند بود انتقال نواب موصوف در ماه ذی الحج ۱۲۱۲م داخل
 اورنگ آباد شدند بعد در بلده فرخنده بنیاد رسیده از حضور عفران نواب بسره زاری شش
 رقم جوهر و جاگیر نیم لک و هفت هزار روپیه و علاقه چوکی و پورهی غرامتیا زیانت و چهار لک روپیه
 ارسلو جاه بهادر بنا بر طلبیدن متعلقان بهادر مغزاد ند بعد رسیدن متعلقان ده لک روپیه
 را جاگیر و سه هزار روپیه با هزار سوار و پیاده مع جائداد جمعیت شانزده لک و هفتاد هزار روپیه
 مقرر شدند بعد انتقال ارسلو جاه مرحوم نورالامرا بهادر از کشمکش با کسی میر عالم مقهور اخراج در
 اورنگ آباد یافته بودند چونکه نهری رسل صاحب بهادر از پونه برزیدنی حیدرآباد ماورد شد در
 ۱۲۲۶م بحری همراه آورده شش لک روپیه را جاگیر و رنگل و پنجاه و غیره مقرر گنایند دادند
 و بهادر مغزایم پنجاه و هشت سال رسید ششم ۱۲۳۶م بحری داعی حق را بیک اجابت گفتند
 چهار فرزند دارند سه فرزند را شادی شده است و یک فرزند تا حال ناکند صاحب هر چهار
 فرزند ان کسی نیست فرزندان کلان علی یاورد الدوله بهادر عمر سی و چهار ساله و دو بی کامیاب
 الدوله بهادر عمر سی و یکساله سومی یاورد الدوله بهادر عمر سبت و شش ساله فرزند چهارم خرد عمر
 سبت و یکساله مسی دلاور علیخان بهادر رسم شادی علی یاورد الدوله در قوم برادری خود با دختر
 خود در اورنگ آباد به عمل آمده و شادی کامیاب الدوله بهادر با صبیبه نواب وجیهه الدین خان
 میڈل که در سامانه مختار کاروبار دیهات و سواران است از وطن طلبیده بودند عرصه ده
 سال شد که رسم شادی بهمین آمده و بعد فوت شادی یاورد الدوله با دختر نواب سکندر الدوله بهادر
 ۱۲۲۸م بحری در حیدرآباد شده و نسبت دلاور علیخان بهادر سیر چاری نورالامرا مرحوم
 دختر قلندر بخش خان منڈل بهمین آمده هنوز رسم شادی بهمین نیامده و قلعه امام گده که اندرون
 قلعه سامانه واقع است بنا کرده محمد قاسم خان جد نورالامرا مرحوم است تا هنوز داخل و تصرف

در قلعہ مسطور مع پنج موضع سامانہ و آمدنی وصول سائر بطرف نورالامرا مرحوم است و قلعہ مرغی پور
 مع شہر پتہ از سامانہ فاصلہ بست و پنج کردہ بطرف مشرق داد و بنا کردہ حد نورالامرا مرحوم
 وقتیکہ چہ بسا در مغز نزد نواب شجاع الدولہ مرحوم آمدند و قلعہ مذکور تصرف سکھان
 گردید و محمد عظیم خان بہادر منڈل از بزرگان مرحوم مذکور و راجا بسیار بہ شہرت ماندہ چنانچہ
 پنجزار سوار پایگاہ و کثیر از وسعت صد موضع رازینداری میداشت و قلعہ عظیم گڑھ و
 کثری پیالہ و شہر پتہ قبضہ سامانہ و در قبضہ بہوان پرگنہ مواضعات قبضہ مذکور یکصد و پنجاہ
 یکصد و پنجاہ گڑھی خام بنا کردہ محمد عظیم خان بہادر است و بہادر مغز و اولاد خود یک دختر
 میداشت کہ منسوب بعلامہ کمال خان پیر مرحوم مذکور بود از بطن اولاد نورالامرا مرحوم متولد شدند
 محمد عاقل خان منڈل را دو فرزند یکی مسمی بدیوان حسن محمد خان جدار سلطو جاہ مرحوم و دیگری محمد قاسم
 خان جدارالامرا مرحوم کیفیت حسب و نسب سرور نواز جنگ اینکہ بہادر مغز فرزند محمد حفیظ خان
 و خان مسطور برادر حقیقی محمد عظیم خان ناما حقیقی نورالامرا مرحوم والدہ سرور نواز جنگ مذکور
 تا حال در پنجاہ زندہ اندا مر مرحوم دو دختر بنام عمدہ بیگم و حبیب النساء بیگم داشتند
 شادی عمدہ بیگم مسطور ہمیشہ حقیقی کامیاب الدولہ از سرور نواز جنگ و شادی حبیب
 النساء بیگم در سال ۱۲۳۲ از غلام محی الدین خان پسر قلند بخش خان بمیل آمدہ در ۱۲۳۳
 حبیب النساء بیگم مسطور فوت کرد و نورالامرا مرحوم دو محل ذی اولاد داشتند سہ فرزند
 و یک دختر از محل شادی و محل دویم یک کچھی از موضع بریلی ہمراہ آمدہ بودند از بطنش
 دلاور علیخان بہادر النساء بیگم مغزورہ چنانچہ والدہ کامیاب الدولہ و غیرہ رحلت
 کرد والدہ دلاور علی خان بقید حیات است و بالنفل معاش سابق نورالامرا مرحوم
 ہمہ مغزور قریب یک لک روپیہ جائداد رکھی راحبہ چند و عمل بہا در
 براس فرزند ان نورالامرا مرحوم کردہ دادہ اند و پچھنیہ مذکور در قرض کوٹھی یا لہ صاحب
 مقرر گشتہ و آمدنی اش در کوٹھی میر سدرت تینیت افتخار الدولہ افتخار جنگ اینکہ غلام
 اللہ خان نامی دیوان خالصہ و دیوان تن و خانسامانی بادشاہ عالمگیر از رنگ زیبہ
 داشتند یکی بہ مبارزخان بہادر در عماد الملک مرحوم منسوب بود و صبیہ دوم بہ سید دلاور خان

منسوب بود آن صبیبه دلاور خان مرحوم بشهامت جنگ کلان مبارز خان خان مرحوم
 جدا افتخار الملک منسوب بود و صبیبه دویم بفرزند برادر حقیقی شهامت خان که خطاب
 مبارز خان سرفراز بودند منسوب بود دلاور خان بهسا در در عهد صلابت جنگ مرحوم تعلقت
 سرفرازی داشت و بعد آن تحت دیده از دیهات گلرگه که قلعه‌داری در عهد غفران‌آباد
 تفویض یافت و دیهات درکی در جاگیر بود خدمت بخشگی‌گری بادشاهی نیز در عهد غفران‌آباد
 تفویض یافت بعد اتمام بهسا در مزارفقارالدوله حال خدمت بخشگی‌گری بادشاهی مامور
 بخشگی‌گری بادشاهی عبارت از اینست هر که از خطاب و منصب سرفراز میشود از دفترهای
 مزارفراذ منصب و خطاب بدستخط خاص جاری میشوند و تسلیمات خطاب حضور پر نور باستغوا
 بهسا در مفر میگردد و در اینکه بخشگی‌گری بادشاهی وقت باریابی بهر که خطاب یا منصب شود همراه
 آن با آداب گاه ساده شده با و از بلند عرض میسازند که فلانی باین قدر منصب باین خطاب
 سرفرازی یافت و هر شخص را که خطاب و منصب میشود بطور توابع و تحریک سلوک میکند
 جمعیت بدارند و نیز بر چو دهر به مثل چو دهری سبزی مندی و میوه مندی تا آنکه
 چو دهری نیلچیه بند با و گل فرزدها و غیره همین قسم اهل قره‌آبخار جوع شده نذرانه بحال
 چو دهر است میدهند و حصول کند میسازند و بر اسناد حضور پر نور که بعنوان جاگیر
 میشود و هر بادشاهی دیوانی هم میگردد و آن سند را دو مهری میگویند چهار طره کامل صووبات
 سرزد مقصدیان دفتر دیوانی باشند عمر افتخارالدوله بهادر تهمینا پنجاه و نه سال شادی
 از دست غلام حسین خان منصب دار لعل آمده بهسا در مفر یک پسر دارند - کیفیت
 قطب الامر این است که خواجه بابا خان باشند بخار شریف فرزند بادشاه بخارا
 ودلی شدند آصفیاه بنر و در ایشان یافته به تقرب ملاقات رفته همراه آوردند و با زنی
 تمام نزد خود داشتند تا چهار ماه اسلوب مزاج و کیفیت خاندان دریافته بادشاه بیگم
 دختر خود را شادی نموده دادند از بطن بادشاه بیگم خواجه میر عبدالباقا خان تولد شدند
 شادی ایشان از دست نواب مرحمت خان گردید از ایشان میر محمد خان منصور
 جنگ قطب الامر بهسا در متولد شدند شادی بهسا در زندگوار حاجی بیگم دست

ناصر جنگ شهید گردید از بطن بیگم مذکور دو دختر تولد شدند یکی امانی بیگم و دیگری
 وزیر النساء بیگم امانی بیگم مذکوره از نام آور جنگ فرزند میر مغل علیخان ابن آصفی است
 شد در سیم شادی از دختر دیگر گل بادشاه نظامت جنگ گردید و فرزند آن قطب
 الامرا بهادر که از ازواج نکاح بقید میات اند بهوجب ذیل میر حامد علیخان و میر سید منتظم علی
 خان فرزند اول میر سید محمد جان و میر حسن الله خان از میری میر نصر الله خان فرزند بخت
 جنگ شادی شد - کیفیت نامدار خان مخاطب به بر قند از خان دراز دار خان مخاطب به
 اول خان برادر کلان نامدار خان مذکور هر دو در کاب حاضر بودند در وقت میر عالم مغفور
 بارشاد حضور پر نور بندگانی عالی حال بر قند از خان یکصد و پنجاه سوار بقراول خان پنجاه سوار
 و در ماه ذی قعد چهار صد و بیست و دو نفر یافت در سال یک هزار و دو صد و سی و هجری بر قند
 از خان مذکور بسبب شوره پستی و دنگ و فساد از نسبت راجه چند و صل بهادر در باب طلب
 بقایای تخواه به حکم حضور بر روز از نوکری سکر موقوف و اخراج طبله گردید نامبرده
 تا حال در مشیر آباد که متصل حسین ساگر است از ناپرساینها قیام میدارد و قراول خان
 در سنه مذکور یک بیک در مکان مسکن خود که آنطرف شمال رویه بیگم بازار پیشه
 که بنام خود یعنی راز دار خان پیشه کرده بود برگ مفاجات مرد - کیفیت سلطان میان
 از قوم پیرزاده بهدوی باشند که کهنه یه موضع هندوستان در عهد غفران تاج شاه
 بصیغه سوداگری در بلده فرزند بنیاد اقامت میداشت غلام سید خان مرحوم مخاطب
 بار سلطو جابه پیشه زادی نواب بیگم راز دار نکاح داد میان پسر کلان شتار ایبه آورده
 دو صد سوار و در عوض آن پرگنه اسکل کور و غیره دادند بعد آن در وقت هجرت رام سه
 صد سوار اضافی شده جمل پانصد سوار از آنجمله چهار صد سوار در لشکر فروری
 متعین راجه گویند بخش بهادر و شمه در رکاب و جمعیت بار هشت صد نفر مراسته
 حفاظت تعلقه کنگ گیری که در اینجا مفسده بسیار میباشد شتار ایبه سه پسر یکی داد
 میان دویم محمد خان سوم بهکو میان و سه صبیبه یکی به طیل صاحب پسر سعید الدوله
 و دویم به لطف علی خان پسر عظیم خان سوم به برادر نیاز بهادر خان داده اند - کیفیت

عزت یارخان این است در عهد صلابت جنگ مرحوم حضرت غفران ماب بصوبه داری
 صوبه برادر مشغول بودند عبدالقادر نامی طالب علم حید عموی عزت یارخان مذکور از
 بندرسورت در اورنگ آباد آمده در تکیه شاه محمود اقامت در زید بعد چندت
 از محمد غوث خان بخشی سائر ملاقات کرده باستصواب خان مذکور در برادر رسیده ملازمت
 حضرت غفران ماب حاصل نمود بعد مدت قهنا یا است لشکر سر فرزند شد هر گاه غفران ماب
 بدیوانی صلابت جنگ مرحوم قائم شدند عبدالقادر را بخطاب حکیم قادر یارخان سر فرزند گناینه
 من بعد حضرت غفران ماب در عهد ریاست خود بخدمت صدارت و احتساب بلد حکیم
 سر فرزند فرمودند بعد چندت محمد جعفر والد عزت یارخان مسطور نیز و قادر یارخان برادر
 خود آمده ملازمت حضور غفران ماب حاصل نمود قادر یارخان در ایام جیاری خود در
 حضور پرنور سفارش نمودند به خطاب حکیم جعفر خان سر فرزند گناینه اشتغال نمود
 بعد انتقال خان مذکور صدارت و احتساب به حکم جعفر خان تفویض کردند بخطاب محی الدوله
 سر فرزند عزت یارخان دو برادر یکی خان مذکور دومی قادر یارخان هر دو ذی اولاد
 فرزند کلان قادر یارخان در مناقشه افغانه همراه حافظ عبدالکریم صاحب که شاکر و رشید
 حافظ بود بر ختم گوی مرد و فرزند کلان عزت یارخان از صبیبه سید حکیم صاحب مدنی فرزند
 پیر یا د شاه صاحب مدنی منسوب است دیگر چهار فرزند ان قادر یارخان موجود است کیفیت
 مستقیم الدوله مرحوم حاجی محمد زمان مغل شوستری در بلده حید آباد روزگار پارچه فروشی
 می نمود که در حال سرمایه میداشت یک مستوره از قبیل غریبا قوم تیج با شده موضع ملک
 که در بلده فرخنده بنیاد مسافت یک کرده دارد شوهر آن فوت شده بود حاجی مذکور به
 نکاح خود در آور و از ان مستوره فرزند تولد شد بنام عبدالغنی که آئینده مستقیم الدوله شد
 میر عالم مغفور نظر بیاس هم وطنی و لیاقت عبدالغنی مذکور در یافته همیشه خود که از بلن
 کینزک بود بنام سکینه بیگم و قتیگه در سفر نادانی بودند از آنجا نوشته فرستادند که قبل از دال
 شدن لشکر ظفر پیکر شادی سکینه بیگم از عبدالغنی کرده دهند در اینجا همان طوطی بمل آمد از مستقیم
 الدوله بسیار در دو دختر و یک فرزند دختر کلان به میرزا محمد حسین پسر میرزا محمد علی شوستری

از اقربا سے میر عالم مغفور منگوح و دختر دیم بغرنز ند بهرام الدوله مرحوم مشوب در ستم شاهی
 فرزند مسی بمرزا محمد علی در ماه جمادی الثانی ۱۲۳۵ هجری از دختر حسن یا ورا الدوله پسر امین
 الملک مرحوم بھبل آمده و مستقیم الدوله مرحوم بیا عت حکایت خود در وقت خدمت جنگ
 مغفور از بلده اخراج شده در جاگیر خود قیام میداشت و نظر به حقوق پرستی مبلغ دو ازده
 هزار روپیہ سیالیانہ سرکار عظمت مدار بمرحوم مسطور میر سید ہفتدیم رجب ۱۲۳۲ هجری
 بمرض فلج اینچنان فانی را پدر و دیگر در حال جاگیر و غیرہ دیہات مرحوم بعد گزرا نیدن مبلغ
 بست ہزار روپیہ تدرائہ بہ میرزا محمد علی مذکور قرار یافته است کیفیت کوکہ با در وقت حضرت
 غفر اناب وقت تولد حضرت بندگانغالی گردید میر ہدی نامی شخص پیر کوکہ با ملازم
 شدہ الطیہ میر مذکور با اسم بھوری بیگم خدمت آنگری مامور شد نام اصلی جعفر یار جنگ با اسم
 میر جعفر و نام اصلی اسد نواز جنگ با اسم میر حسین و قتیکہ بندگانغالی حال مند نشین بندک
 بر دو برادر کہ در عالم صاحبزادگی باریاب بی بودند همان طور بعد جلوس ریاست و مندی
 نیز باریاب مانند جعفر یار جنگ از حضور پر نور پنجاہ سوار و پنجاہ بارگیر و از غیر الملک بہادر
 پنجاہ بارگیر و از راجہ چند و سل بہادر و دو صد سوار و پنجاہ بارگیر و دو صد جوان لین و یک صد جوان
 در پیلہ داشت در ۱۲۳۵ هجری انتقال کرد و اسد نواز جنگ کوکہ خود را از حضور پر نور پنجاہ
 نفر بارگیر و از راجہ چند و سل بہادر بست و پنج سوار و پنجاہ بارگیر مقدر است
 کیفیت سکندر یار جنگ نام اصلی سکندر یار جنگ بہادر فیروز الدین خان ولد معین الاسلام
 کہ در وقت غلام سید خان مرحوم مخاطب بار سلطو جاہ بخدمت قضاة بلده فرخندہ بنیاد سر
 فوازی یافته بود و قتیکہ حضرت بندگانغالی حال بہ شولہ پور را راہ فرمودند از باعث ہمیت نام
 متونی کہ از فیروز الدین خان اتحاد داشت ہمراہ تعیناتی کنائیدہ بہلازست بندگانغالی مشرف
 گردید تا اینوقت از ہمان سابقہ باریاب اند و در ہمد نشینی دو ہزار جوانان بارکہ حضرت
 بندگانغالی در چوکی پیرہ خاص ملازم فرمودند بہ بخشی گری آن سرفراز شدند تا حال
 خدمت مذکور بحال است و نیز از خدمت بھری عدالت سرفراز فرمودند و عمربھنیا
 پنجاہ و چہار سال کیفیت محمد صلابت خان بہادر محمد صلابت خان بہادر ولد محمد

اسمعیل خان ابن سلطان حسین خان بهادر مغربا دو دو صد سوار در فرمانبرداری سوار
 و کن همیشه مصدر ترددات شایسته بوده بمقابل و مجادله مرسته با کوششها داشت و نیز
 بصوبه داری بلچپور از حضور غفرانآب و جمعیت پانصد سوار سرفراز یافته بود و قتیکه
 رکن الدوله در سواب جواب محاسبه تعلقات صوبه برادر درخواست نمودند گفتند که با حضور
 ظفر الدوله خود انتقال سازند تندهی خان مسطور در اداسه محاسبه نگروه نوبت به جنگ
 رسانیده چنانچه از جمعیت سرکار به جنگ گشته شد محمد صلابت خان بهادر محمد بهول بهادر
 پسر خان مرحوم را حضرت عثمان آاب پرورش بنیاید فرمودند بعد چند وقت بعد
 بلچپور و جمعیت پانصد سوار سرفراز فرمودند و قتیکه غلام سید خان مرحوم بسرکردگی سوار
 بطرف برادر براسه مقابلند صید و جو سله رهو لکر شراکت سرکرد های سرکار عظمت
 یقین نمود و جهت رام را نیز مع پیمان با همراه دادند و تعییناتی محمد صلابت خان بهادر
 نیز گردید و همان سفر اضا ف جمعیت سابق و حال کتره که چهار هزار و یک هزار
 نهصد سوار و دو هزار بار و سوا سه جمعیت مشروطی یک هزار جوان بار براسه گرد آوری
 تعلقات ملازم ذات بهادر مغربانده و محلات هشتت یک روپیه که وصول آن چهارده
 لک روپیه بود بسیار مغرب سرفراز گردید چنانچه تا ۱۲۳۳ هجری بحال مانده و در ۱۲۳۵
 پشالن و غیره سوار آن که اضا ف جمعیت شده بود موقوف گردید صرف جمعیت سابق بحال
 مانده را چه چند و عمل بهادر محلات جا نداد جمعیت حال بودند برادر ده گزنده محال
 نیز محالات قریب هفت لک روپیه در جا نداد جمعیت سابق بحال است و قتی
 جنگ خان به حضور طلب شده از محمد صلابت خان بهادر علوه گردید عمر بسیار
 سفر لغایت ۱۲۳۶ هجری بنقاد و چهار سال است و بهادر مغرب را در پسر بودند کلال
 اسمعیل خان که از دختر فتح جنگ خان شادی شده بود فوت کرد از آن یک پسر
 بنام ابراهیم خان است بهر نسبت و پنج ساله و پسر دوم بهادر مغرب نامدار خان این
 را نیز از دختر فتح جنگ خان شادی گردید و نام زوجه محمد صلابت خان التوبی بی
 دختر نامدار خان افغان است در ۱۲۳۳ هجری به بهادر مغرب از خواص پسر بنام محمد صلابت

خان متولد شد. کیفیت فتح جنگ خان بهادر مرحوم قوم افغان و از عمر دوازده ساله فتح
 محمد صلابت خان بهادر اند و سررشته قرابت با پسران و دختران مابین هم آمده
 و سواست محمد فتح جنگ خان مسطور کار پر دازی بهادر مقرر نامور بوده و فرزند دارند
 گلان غلام حسن خان بهادر عمرش قریب سی و هفت سال رسم شادی از صبیبه محمد صلابت
 خان بهادر بمبلی آمده و پسر دوم غلام عباس خان بهادر بمبلیست و پنجساله که محمد صلابت
 خان بهادر در فرزند ی خود گرفته اند در ماه ذیحجه ۱۲۲۴ هجری رسم شادی پسر مذکور
 از دختر کدام افغان که سابق نامزد بود بمبلی آمده در ۲۳۵ هجری که موافقت جمعیت افغان
 صلابت خان بهادر گردید و کار پر داز سرکار بهادر مقرر فتح جنگ خان بود و راجه چند و عمل
 بهادر خان مسطور از محمد صلابت خان بهادر جدا کرده در ضلع اولدنگ آباد جاگیر خواجه
 هزار روپیہ داده بودند چنانچه خان مسطور از تاسف در بنجار رسیده انتقال کرد. کیفیت
 نیاز بهادر خان ولد بهادر خان ابن نیاز بیگ خان که در سرکار نجف خان مرحوم رسماً
 یکمزار سوار داشت باشند و ستان نیاز بهادر خان با داده روزگار دار و دلبره
 شده اول در رساله نورالامرا بهادر بر یک راس اسب ملازم گردید و بعد از آن نزد
 راجه دیپی داس که دیوان عاشور بیگ خان بود بعد انتقال مشارک ایبه بسبب صغر سن
 پسر مرحوم مذکور راجه زبور خود قایلین شده بود و از دو سوار ملازم گردید و در همان
 ایام از اهلیه های عاشور بیگ مرحوم موافقت کرده نسبت خود با صبیبه خان مرحوم مقرر کرد
 و قیاس خویش خان مسطور شد و اطوار راجه دیپی داس ناپسندیده بود بعد کشته شدن
 بسیار و قصه های طول و طویل اخراج راجه مذکور گردید پسر عاشور بیگ خان مرحوم طلب
 اعتبار الدوله حیدر بیگ خان بهادر مستقل جنگ که وارث رساله مذکور بود مدعی شد
 چنانچه راجه چند و عمل بهادر دست آویز از نیاز بهادر خان مذکور باین مضمون که بعد
 شش سال حال که پسر مرحوم مذکور به سن شعور خواهد رسید رساله پیدایش حواله پسر مذکور خواهم
 کرد و نویسیا بنده داد و نیاز بهادر بر رساله یکمزار سوار رسیده و پنجاه جوانان علی غول که
 عاشور بیگ خان مقرر بود با راجه عانت راجه چند و عمل بهادر قایلین گردید در ۲۳۵ هجری

موقوفی سه صد سوار از رساله شکاریه شد و جانداد آن راجه صاحب بر آورده گرفتند
 الحال بتاریخ سوم محرم ۱۲۳۸ هجری که بلوچه مسلمانان بلده بر افغانه هندی که مشهور بفر
 هندی اند بسبب کشته شدن حافظ عبدالکریم مجاهد اهل اسلام گردید نیاز بهادر خان بکانت
 جرات و جلالت دو اسم از مجتهدان و چهار اسم افغانه بجان کشته خود هم شربت شهادت
 چشمید مرحوم مذکور ذی اولاد نیست و مبلغ پنج لک و شش هزار و هفتصد و بیست روپیه
 دوازده آنه در جانداد سپاه محال مفصله الحال مرزا امان علی بیگ طفله مغل عورانش
 بتنی کرده بجایش قرار داده اند -

دو محال سواران رکاب
 دو لک
 معادل
 ۲۶

سواران تعیناتی لشکر فیروزی سوا سندی صاحب
 دو لک
 معادل
 ۲۶

حویلی کولیکنده پرگنه مغل گنده

پرینده بی بی دینه کوند دینه در دکه رسالده

یک محال	یک محال
پرینده مامل سروده	قصبه سلطان دینه
بورگلون دینه	با دن پر د کول دینه
یک محال	سه محال
مامعه	سیورم
دو محال	یک محال

کیفیت اکبر یار جنگ نام اصلی اکبر یار جنگ بهادر میر قمر الدین ولد معین الدین نقشه نویس حویلی با
 بلده فرزند بنیاد بود مگر قمر الدین ولد معین الدین از سعی خود تحصیل علم عربی و فارسی نمود و پانزده
 پیدا کرد حضرت عفرانآب بادشاہ حضرت بندگانی حال ماموز فرمودند از همان شاکر
 هنور پر نور باریاب اند و نیز خدمت نجفی گری شاگرد پیشه و جاگیر چهار هزار روپیه سبزه زاری
 دارند تا حال سجال است و اولاد اکبر یار جنگ موجود اند بجز آن فرزند کلان امام الدین خان
 حضور است بتاریخ نهم صفر ۱۲۳۸ هجری بوقت شام در نماز سجده دویم جان تسلیم کرد

کیفیت محمد سبحان خان بهسا در هر دو برادر حقیقی ولد سلطان خان باشند هندیستان محمد روشن
 خان برادر گلان محمد سبحان خان در وقت غلام سید خان مرحوم از جمعیت پانصد سوار آمده ملازمت
 حضور غفر آتاب حاصل نمود ملازم سرکار گردید غلام سید خان مرحوم در حضور پرنور عرض
 کرده محال است پنج لک روپیه بر کسی و غیره صوبه دارد در جاگیر جمعیت دادند بعد انتقال محمد
 روشن خان محمد سبحان خان بهسا در بجای برادر سر فزازی یافتند جمعیت بهادر مفر
 الحال یکبار و یکصد سوار و سید جوانان بار و در بست از جاگیر مجال بود مگر رینه بوه گانون
 که برائے تنخواه یا سکا علاقہ میا رام و جتن محل بود و عرض گاه و دانه که بهسا در مفر
 در آن تندهی نیکر و ند موقوف شد عمر بهسا در مفر قریب پنجاه سال شده بست و دوم حب
 ۱۲۳۲ هجری انتقال نمود رسم شادی بهسا در مفر از دختر نامدار خان امان بمحل آمده دو
 پسر بهسا در مفر بودند یکی فیاض علیخان که در سال ۱۲۳۸ هجری بمصر و با مرد دوم قطب علیخان عمر
 سی ساله بسبب قرضداری قرض خواهان و بلوه طلب تنخواه سپاه راجه صاحب جاگیر و غیره
 به طور خود مبلغ یک لک نقد سالیانه به قطب علیخان میدهند و رساله بر رسم شده
 مگر جزو سے مردم بر فاقه خان مسطور هستند و محمد سبحان خان بهسا در را یک و اکثر هم بود که
 رسم شادی اش از همیشه زاده بهسا در مفر بمحل آمده - کیفیت شریعت پناه متوطن شریعت
 پور - طالب علمی شریعت پناه مغفور از شاگردان پور تارام پور - هر گاه مولانا عبدعلیم
 از پور پور ننگاله آمدند شریعت پناه مغفور نیز همراه بودند بعد آن نواب مظفر جنگ مرحوم نواب
 ننگاله خدمت قضای پور نیاد و نیاج پور در سال ۱۲۳۸ هجری سپرد نمودند من بعد خدمت
 دار و علی عدالت با قرگیچ از سرکار نواب موصوف در سال ۱۲۳۸ هجری تقریر یافت و تا وقت توفیق
 نظامت از سرکار نواب مدوح این خدمت مجال ماند من بعد تا من حیات نواب مدوح
 رفیق بودند بعد انتقال نواب مرحوم سواری بها زبیرا سے ملاقات مولانا مدوح در سال ۱۲۳۸ هجری
 اتفاق رسیدن چینی پشین گردید بسر رشته فاشامانی نواب عبدالوهاب خان برادر و اول
 جاه مرحوم نوکر شدند تمهینا تا مدت دو سال درین خدمت بوده در سال ۱۲۳۸ هجری از چینی پشین
 در بلده فرخنده بنیاد آمدند و در سال ۱۲۳۹ هجری خدمت تدریس اول و قضای اول از سرکار

غفرانآب تقریاً وقت و در سال ۱۲۳۰ هجری خدمت قضا قرار یافت چهار فرزند دارند از شادی
 وطن محمد ذوالفقار خان که بعلم و لیاقت پیره وانی دارند و بسن چهل و هشت سال رسیده اند
 فرزند دوم از شادی بنگاله موسوم به عبدالحی بن بست و شش سال فرزند سوم از نکاح بی بی
 حیدرآباد کسی عبدالمجید بن بیچده سال چهارم عبدالعزیز بن هشت سال شریعت پناه
 کلان را مرض صینیق فرمن بود چنانچه در سال ۱۲۳۳ قریب هشتاد سال رسیده و در بیت حیات
 سپردند الحال پسر کلان محمد ذوالفقار خان بر خدمت قضا مامور اند - کیفیت کوتوال شهر
 صف شکن خان عبدطالب الدوله مرحوم منبهار بادشاهی از طرف بادشاه بر قلع داری
 و معارف در سرقراری داشتند بعد آن مغفرت آب بخانسانانی خود سرقراری فرمودند محمد تقی
 خان ولد طالب الدوله مرحوم در رفاقت غفران آب پسر بر دند رضا علیخان عمومی طالب
 الدوله مرحوم در عهد غفرانآب بعد تقدی حکم بادشاه به بنگاله عالیجاه بخدمت کوتوالی بلده
 مامور شدند در سابق بمده دار و علی نمایان و اصطلح حضور مامور بودند چنانچه
 تا حال پسر دو عمده بنام حسن علیخان پسر کلان طالب الدوله بحال است و قریب پنجاه شش
 سال که عمومی مرحوم مذکور فوت کرد در ۱۲۳۶ هجری بتاریخ بسته شهر شهبان محمد تقی خان طالب
 الدوله در بیت حیات سپرد و حسن علیخان مذکور بر اعانتت را چه چند و عمل به باد بهمه
 کوتوالی قائم شد و طالب الدوله مرحوم پنج پسر و دو دختر گذاشت کلان پسر حسن علیخان بهادر
 کوتوال وال از صبیه غالب الدوله عمومی حقیقی مشایخه کوه داروغه بر کاره با بودند شادی
 بهمن آمده پسر دوم باقر علیخان بهادر رسم شادی از صبیه حسین یا در الدوله پسر امین الملک بهادر
 بهمن آمده بود پسر سوم جمال علیخان بهادر از صبیه رحمان بدندان همیشه سرقراری شد خان منسوب
 بود صبیه مذکور فوت کرد پسر چهارم فرید علیخان از صبیه بنت یار جنگ بنت تقر شده
 پسر پنجم ذوالفقار علیخان بنوز منسوب شده و دو دختر یکی بادشاه بیگم منسوب
 به علی رضاخان برادر زاده طالب الدوله مرحوم دوم بیاری بیگم منسوب به محمد نصیر باقی پسر
 علی بیگ خان - کیفیت امیر الدوله مرحوم - امیر الدوله مرحوم عرف محمد طاهر خان کوه
 غفران آب چندت دار و علی جواهر خان و فیلی خان سرقراری بودند در عهد غفرانآب -

انتقال کرد و شاهوی اسد محمد خان امیر الدوله شهابست جنگ حال بخانه محمد خان نامی قلع را بید
 بعمل آمده نام اهلیم امیر الدوله منور بیگم و مشارک الیه چهار برادر خلیف کلان مرحوم مذکور امیر الدوله
 حال که بعد از خانسامانی و داروغلی جوهر و فیلیخانه سر فرزند دویسی محمد یار جنگ نه بر دویسی
 بی خانم فرنی باشند سوئی کمال الدین خان در سوال و جواب بکبر جاهد به او زور را چه چند عمل
 به او در آمد و رفت چهارمی محمد سهراب خان تباریخ بست و هفتم زلیخه ^{۱۲۳۶} هجری امیر الدوله
 اسد محمد خان شهابست جنگ وفات یافت پدر الدین خان نامی پسر مرحوم مذکور تباریخ شازده
 حرم ^{۱۲۳۷} هجری خلعت خانسامانی یافت کیفیت میر و احد ظنجان مخاطب به تمام جنگ در
 عهد مغفرت آتاب از دلی ملازم شده همراه آمده بودند بعد انتقال مغفرت آتاب در عهد صلابت
 جنگ مرحوم تعیناتی عفران آتاب که به صوبه برادر روانه شدند از آن روز در خدمت عفران آتاب
 حاضر با شتی میگردیدند و در کشتن حیدر جنگ نیز شریک بود یکفرزند دارند نام اصلی میر موسی
 بعد چند بختاب اکبر علیخان سر فرزند شده از خطاب اصغر یار جنگ کیفیت شهباز جنگ
 شهباز جنگ بنام آصف نواز جنگ مشهور بودند در منصب داران ^{۱۲۳۸} هجری داشتند در
 عهد حضرت عفران آتاب بسبب ذی هوشی و سلیقه خود چندی اکثر شریک مشوره می بودند بعد
 چندی بسبب بعضی حرکات اخراج بلده شد و باز آمد الحال هم نیره با سدی بجای است
 ممتاز اند کیفیت زبردست خان خان در طایمان متعارف مغفرت آتاب و نیز در عهد
 صلابت جنگ مرحوم در تعیناتی عفران آتاب در سفر بر آمد بر دروغلی فرانشخانه مامور
 بوده در کشتن حیدر جنگ نیز شریک بود خان جهانخان پسر کلان خان متوفی از عهد عفران آتاب
 تا حال برادر و علی فرانشخانه مامور است پسر خان مسطور با اسم نظر بهادر خان و بدر و میان
 و سیمین خان متعارف اند کیفیت لطیف الدوله از عهد عفران آتاب برادر و علی تو شنباه
 سر فرزند کیفیت این است که محمد یار بیگ خان جد لطیف الدوله بهادر باشند ولایت
 کاشغر مع سه چهارم آقرباگ خود دارد و مندوستان گردید در فاقه مغفرت آتاب بموجب
 سه صدر و پیر ما هوای بر منصب سر فرزند یافت و همراه آتاب مغفرت آتاب در بران
 پور رسیده بمناکت پرداخت بعد چندی یک فرزند تولد شد لطیف بیگ نام

چون نامبرده بسن شعور رسید خطاب منصب و نوکری بمواجب یکصد پنجاه روپیه و نوکری
 خود بقضای الہی فوت شد چون آصفیاء بخت تھی پیوستند لطیف بیگ خان در رفاقت
 نواب نامر جنگ شهید آمدت شہادت ماندند و بعد شہادت در رفاقت صلاحیت جنگ
 مانده باضافه مواجب و منصب سرفراز شد چون صلاحیت جنگ از نیما در گزشتند در زمان
 شجاع الملک بہادر آمدہ خدمت توشیحانہ و جاگیر نو ہزار روپیہ کہ در ضلع اورنگ آباد
 واقع است سرفرازی یافتند و ایشانرا ایک فرزند غالب بیگ خان نام مخاطب خطاب
 لطیف الدولہ کہ حالا بقید حیات است در سن ہجیرہ سالگی ہمراہ ہتھاب جنگ خلف المصدق
 نواب شجاع الملک موصوف مقید شدہ پیش ہو کر رفتند بعد سہ ماہ از قید مخلصی یافتہ اورنگ آباد
 رسیدند در نیولا لطیف بیگ خان مذکور رفیق عفرانآب شدہ فرزند خود را بمواجب
 یکصد وست و پچروپیہ در منصب نوکرتا بندہ و خود بخدمت توشیحانہ و بخشی گری
 مردمان قائم خانی کہ یکزار سوار و دو ہزار پیادہ بودند سرفرازی یافتند و ہموار در سفر
 و حضرت رفیق جاشار عفران آب بودند و عفران آب نیز ایشانرا مثل فرزندان پرورش
 میفرمودند چون لطیف بیگ خان در حیدرآباد فوت شد غالب بیگ خان فرزند
 ایشان بخدمت توشیحانہ و خطاب معظم جنگ و جیفہ و سرہنج سرفرازی یافت
 و جاگیر پیر نیز بنام ایشان تقرر پذیرفت و ماہوار موقوف شد و بعد چند سہ در عصر اسطوبجا
 خطاب لطیف الدولہ و کنتھی مرادید سرفرازی یافت ایشان را دو فرزند یکی واجد بیگ خان
 نام کہ مبلغ یکصد روپیہ ماہوار در منصب داران نوکراست و در قرابت ہنیت انسا بیگ صاحبہ
 یعنی بی بی صاحبہ منسوب ایشان را نیز سہ فرزند و بمواجب پنجاه پنجاه روپیہ از سفارش
 بی بی صاحبہ نوکراند و سومی کوچک و دوازده سالہ است و فرزند دومی لطف الدولہ پیش
 از سہ سال در اورنگ آباد رفتہ در رفاقت راجہ گونہ بخش بہادر نوکر شد ہبود بنام
 سلطیف بیگ خان - کیفیت خاندان نواب الف خان بہادر و منور خان بہادر کرنول
 والد - نواب محمد خضر خان و نواب محمد رن مست خان قوم افغان پنی ہر دو برادر حسیب تھی
 در شاہ جہان آباد منصب دار بادشاہی بودند از نواب محمد خضر خان سہ پسر کلان نواب

داود خان دومی محمد ابراهیم خان سومی محمد سلیمان خان نواب داود خان و پادشاهی علیگیر
 وزارت اسد خان ذوالفقار خان از حضور پادشاهی سر فرزند بدکن آمدند و نواب
 موصوف لاول بودند محمد ابراهیم خان دو فرزند داشتند نواب محمد الف خان و نواب
 رنڈوله خان نواب محمد الف خان مسطور دو فرزند داشتند نواب همت خان دومی نواب
 رنمت خان و نواب رنڈوله خان برادر نواب محمد الف خان مسطور یک فرزند داشتند
 که نام رنڈوله خان بود و نواب رنمت خان پسر نواب محمد الف خان نوی اولاد بودند و
 پسر میداشتند و کلان محمد ابراهیم خان عرف محمد اعظم خان که انتقال کردند دومی محمد حسین
 خان انتقال کردند سومی نواب محمد الف خان که در سال ۱۱۰۰ هجری انتقال کردند چهارمی
 نواب محمد انور خان پنجمی محمد قادر خان ششم محمد عزیز خان که انتقال کردند هفتم محمد
 یحیی خان هشتم محمد یعقوب خان نهم محمد علیخان دهم محمد رستم خان که انتقال کردند نواب
 محمد الف خان که در سال ۱۱۰۰ هجری انتقال کردند و از و پسر اوار تدکلان نواب منو خان
 متولد در سال ۱۱۰۰ هجری از محل نکاح صبیبه افغان دومی محمد داود خان از بطن خواص سومی محمد
 مظفر خان تولد در سال ۱۱۰۰ هجری از محل شادی بی بی زاده هشتند چهارمی محمد رنمت خان
 از بطن خواص پنجمی اکبر خان از بطن خواص ششم عمر خان از بطن خواص هفتم یوسف خان از
 بطن خواص هشتم غلام محی الدین خان از بطن خواص نهم قادر خان از بطن خواص دهم
 غلام عوث خان از بطن خواص یازدهم احمد خان از بطن خواص دوازدهم غلام رسول
 خان از بطن طاقس خاتون طوائف و محمد ابراهیم خان عرف اعظم خان برادر
 کلان نواب محمد الف خان مرحوم دو فرزند داشتند یکی محمد داود خان دومی با اسم
 محمد جعفر خان چنانچه داود خان مسطور مع فرزندان در نوکری سرکار عالی در بلده فرزند
 بنیاد حاضرید باشند از ابتدای احکام کرنول محمد الف خان و غیره در سرکار عالی مبلغ
 یک لک روپیه بسبب پیشکش رسانیده آمده اند از وقت علوه شدن ملک عوض خواه
 جمعیت سرکار عظمت مداری که کرنول و غیره متعلق بملک کمپنی گردید با فعل جمعیت مشروطی
 در سرکار نواب موصوف کلیه گیرار بار است سوائے جهت گردآوری و تحصیل تعلقات

کرنول جمعیت سندی علوه دور وقت ضرورت البته جدا فاعنه کرنول و کتر پیکه همقوم و
 برادر اند جمعیت قریب پنج شش هزار مردم ممکن است کیفیت محالات که در وقت
 نواب محمد رمنت خان بهادر در تصرف حید علیخان نانگ و نیز در سرکار کپنی آمده انجیکه
 باقیمانده تاحیات رمنت خان بهادر در قبض و تصرف بود بعد انتقال نواب محمد الف
 خان پسر مرحوم مذکور قائم مقام گردیده بر محالات مسطور قبض و متصرف گردید و تا حال
 جاریست - صکت کامل لا سیه محال محمد رمنت خان - محال محمد ابراهیم خان
لا سیه لا سیه

جمعه
لا سیه
 منها

از صوبه دارا لکهنو بجایور	از صوبه در خنده بنیاد حیدر آباد دکن
<u>لا سیه</u>	<u>لا سیه</u>
در تصرف پٹوسلطان	در تصرف پٹوسلطان
بار بموجب تہنامہ در سرکار آمد	بار بموجب تہنامہ در سرکار و تہمدار
پر گنہ موگانو و غیرہ	آمدہ پر گنہ جو علی کہم -
<u>لا سیه</u>	<u>لا سیه</u>

پر گنہ موگانو	پر گنہ موبران	میان بگین پی
<u>لا سیه</u>	<u>لا سیه</u>	<u>لا سیه</u>
سہا		
<u>لا سیه</u>		
پر گنہ کورکان	پر گنہ مذکور	پر گنہ کورکان
<u>لا سیه</u>	<u>لا سیه</u>	<u>لا سیه</u>

پرگنه کارم سوری
ماد تامله

پرگنه بین کوه
عیلیه

پرگنه بچکنده

له لوانه

سه کله

له لوانه تا حال جاریت

نسیان
صوبه بار بالکھات
سرکار چکوری کجا بیک
صوبه بار بالکھات
صوبه بار بالکھات

در سفر کنده بقلیت خرج می کرد
مخال اندکوز را نزد گویند بخش کرد
داشتند ارسطو جا و بوقت آمدن
از پونا گزاشت کرده آوردند فقط

کیفیت نظام یار جنگ ولد میر کاظم علی قوم سادات در سرکار شیو سلطان ملازم بود از انجا روزگار
گزارشته در بلده حید آباد آمد و شادی میر کاظم علی مسطور از همت میر عالم مغفور گردید از بطش
یک فرزند بنام عباس علیخان تولد شد در ترقی میر عالم مغفور میر عباس علیخان نخطا نظام جنگ
حسام الملک جایگزین ذات سرفراز شد و راجه صاحب چند و عمل بیاد از جاگر دو صد سه را
تعلقه برده بود سرفراز فرمودند و شادی نظام یار جنگ از دختر کل عتصام الملک گردیده
یک فرزند بنام غلام حسین به نظام یار جنگ بیاد موجود است و بیاد در مذکور و برده
مردمان قرابت خود از شاه نواز خان اظهار میدارند کیفیت سعید الدوله بیاد در
سعید الدوله بیاد و با دمی الدوله بیاد و هر دو برادران در سرکار دارا جاہ شجاع الملک بیاد
نور بودند در وقت ترقی میر عالم مغفور از انجا بر آمده در سرکار بنده گانغانی بسر رشتند
منصبداران مسلک شدند و مدار المہاجی میر عالم مغفور از نیابت صوبه داری حید آباد

سر فرزند شده سر انجام میدادند در سال ۱۳۳۰ هجری فوت شد و با وی الدوله بهادر از توجه
 راجه گو بند بخش بهادر از نیابت صوبه داری اورنگ آباد سر فرزند شده بود او هم بهما نجا
 انتقال نمود از سعید الدوله مرحوم دو فرزند وجود دارند یکی خلیل صاحب از دختر سلطان میان
 شادی گردید یک فرزند تولد شده است دومی میر محمد علی از دختر سید احمد علیخان منسوب
 شده است کیفیت محمد عظیم خان بهادر اعظم الملک کیفیت اینک بملاقه بخش گری و مدار المانی در
 سر کار تیغ جنگ مرحوم مامور بودند و همیده آماده کار از ایشان سه پسر یکی بنده علی خان
 به خطاب علی یار جنگ سر فرزند در وقت خروج عالیجاه در کار از جوئی دادم و انگلی دادند
 در بلده محمد عظیم خان قید و بنده علیخان بد ریافت این معنی خود را پیش از مسطو جاه در پونا بخش
 بد رسیدن از مسطو جاه در بلده از حضور عفرانآب عفو حرام محمد عظیم خان بنوده خدمت خانمانی
 سر کار مامور و بنده علیخان بیچ علاقه نداشت از آن وقت مشارالیه بیکار و در هم باقر علیخان
 سوم قر باغلیخان سوم لطف علیخان در ریافت طلب عرصه بست و پنج سال شد که اعظم الملک
 انتقال کردند و عهده خانسانانی با میر الدوله قرار یافت کیفیت بی نظیر جنگ بهادر محمد
 معین از ولایت برائے تجارت در بلده آمده بودند در نجاب جناس و غیره بفرودت رسانیده
 باز واپس روانه ولایت خود شدند و قیامه دفعه دیگر آمدند جعفر علیخان فرزند خود را همراه آور
 دند جعفر علیخان مسطور از سمت خود در حضور بنده گانغانی مغفرت مآب ملازمت کرده
 بسر فرزند ی محالات بعنوان منصب پیمزاری و از خطاب حسام الدوله بهادر معین الملک
 سر فرزند شد ابوالحسن خان فرزند معین الملک مسطور از آن دوخته پیدر خود با رام بسر برید از
 خان مذکور پسر بنام جعفر خان تولد شد جعفر خان مسطور در حضور بنده گانغانی عفرانآب
 عزت و اعتبار هم رسانیده بملاقه عرض بیگی گری بخطاب معین الملک حسام الدوله غازی
 یافته تیغ فرزند بهادر در مفر حاضر بودند کلان بی نظیر جنگ بهادر فرغام الدوله شادی از شیر
 مرشد علیخان ولد رستم علیخان همشیره زاده شاه یار الملک بهادر است و دوم شوکت جنگ بهادر
 از دختر یکی منصب دار شادی گردیده سیوی شهباز جنگ بهادر که در ۱۳۵۰ هجری بروئی
 اش و آنکه افتاد بهادر مغربیک سال پیشتر انتقال کرده بودند چونکه از راجه چند و عمل بسیار

معیند برائے دریافت ڈانکہ بکو تو ال شہر شد نشان آن در خانہ بنی نظیر جنگ بہادر و بیافت شد
 معلوم شد کہ بہادر مغز بطبع چاہر ہاں برادر خود گرفتہ شادی شہباز جنگ بہادر از دختہ
 رشید الدولہ بہاد لہمن آمدہ بود چہارمی جمال صاحب پچی پس از عمل دویم بنام محمد علیخان کہ در
 فرزند می شرف النساء بیگم دادہ اند و بیگم مسطور شادی او از ہمشیرہ نادمی خود نمودہ اند
 کیفیت عاقل الدولہ بہاد عاقل الدولہ ہاشمہ شہتر ہمشیرہ ناوہ سید رضی صاحب
 بعد آمدن از ولایت خود در خانہ میر جعفر طغان مدب نے نظیر جنگ بہادر شادی کردیدہ دختر
 خود را بنام شرف النساء بیگم بفرزند آن میر محمد قاسم خان کہ رفیق مبارز خان حاکم جانشین
 صوبہ حیدرآباد بودند شادی کردند از میرزا قاسم خان سہ فرزند کلان مہدی یار خان دویم
 اسد اللہ خان سوی میر خورد و دختر میر مہدی یار خان از بیگم شرف النساء بیگم بنام خیر النساء
 و شرف النساء بیگم نہ کورہ رسم عقد و دختر خود مسماۃ خیر النساء بیگم رضامندی خود از حشمت جنگ
 بہادر کردہ دادند از خیر النساء بیگم یک فرزند یک دختر و ولایت رفتہ اند بیاس خاطر
 حشمت جنگ بہادر اسطو جاہ عاقل الدولہ را بخطاب و جالیہ سرفراز نمودند تا حال جاگیر
 بنام شرف النساء بیگم از سرکار دولت مدار جا ریت - کیفیت ظفر الدولہ بہادر ابراہیم
 بیگ خان مخاطب بفاضل بیگ خان نامی جمعیدار چند سوار و بہادر از ملک خود کہ ترکمان دوم
 بیادوند نوکر راجہ سیکا کول والہ لرید ابراہیم بیگ خان مسطور در حیدرآباد آمدہ تماشہ نوکری
 نمودہ نیکن کسی ہا اتفاق روزگار شد بعد ان معاودت نمودہ بچیناپٹن در سرکار والا جاہ
 بہادر از دو صد سوار پانصد پیادہ ملازم شد و قتیکہ جنگ تریچاپلی کردید رکن الدولہ کار
 شجاعت و جرات ابراہیم بیگ خان دیدہ بہ فیصلہ جنگ از والا جاہ سوار نمود ابراہیم
 بیگ خان کہ در سرکار نوکرات اورا حوالہ مایان سازند والا جاہ بلاچار سے دست
 ابراہیم بیگ در دست رکن الدولہ دادند رکن الدولہ شجاعت و مردانگی ابراہیم بیگ بہ چشم
 خود دیدہ بودند از محالہات نرمل و یلکنندل و بالکنڈہ و رنگل و تلتہ راجہ شوار او زیندار
 عوض نگہداشت جمعیت چنانچہ کاربانے شجاعت مرزا ابراہیم بیگ احتشام جنگ
 ظفر الدولہ مبارز الملک مشہور عالم است چہار فرزند ان ابراہیم بیگ خان بودند کلان فرخ

مرزا بختاب والد خود سر فرزند گری از حضور بندگانی پاننان رخصت گرفته نوگری
 گرفته رفته بود در اثنا سے راه از دست مردم سرکاری کار آمد چهار فرزند می داشت کلا
 یوسف علی مرزا دویم حسین علی مرزا سوم ابراهیم مرزا چهارم سردار علی مرزا فرزندان دویم
 مرزا ابراهیم بیگ مرحوم یعقوب مرزا سویم ابو تراب مرزا مسعود جنگ چسار می در وقت
 طلب - کیفیت منشی اسمعیل یار جنگ نامبرده باشند اندر بود و القادر اسخا بود
 و در دارالانشاء در وقت منشی گری شمشیر و نت در نیابت بودند در جنگ که در وقت
 روانگی مشیر الملک بهادر و در پونہ ہم رکاب بهادر مقرر حاضر بودند و قیتکه از سطوجاه بهادر
 از پونہ بحیدرآباد آمدند از منشی گری دیوانی سر فرزند نمودند بعد انتقال از سطوجاه در حضور
 بندگانی عالی حال تا چند ایام سرگرم ماندند و میر عالم بهادر از اسمعیل یار جنگ نوعی عداوت
 میداشتند در حضور عرض نموده روانه جاگیر نمودند چند ایام مانده در اسخا باز دویم حماد الاو
 ۱۳۲۳ - پجری انتقال کرد سپهرش عظیم الدیخان در بلده حاضر و از عنایات پادشاه
 راجه چند و صل بهادر از جاگیر والد خود سر فرزند - کیفیت سیف جنگ محمد غوث خان نامی
 از ناز نول بار آورده روزگار در عهد صلابت جنگ مرحوم در بلده فرخنده بنیاد وارد شد
 نواب غفرانآب راصلابت جنگ مرحوم صوبه داری برار داده رخصت نمودند محمد غوث
 خان در رفاقت غفرانآب حاضر بهر رکاب روانه ایلیمو شد و قیتکه غفرانآب در هنگامه
 حید بیگ بودند شرط رفاقت و حافظتانی از خان مسطور چنانکه باید بظهور رسید چون
 غفرانآب قائم مقام ریاست شدند محمد غوث خان تذکور بختاب سیف الدوله و بخشی گری
 تمام جمعیت و از محالات ننگنده و دیورکنده و غیره سر فرزند شد خان مذکور و برادر خود را از
 ناز نول مع عیال و اطفال طلبید از خطاب سیف جنگ و برادرش دیگر علاء الدوله
 که دیده بود بعد چند ایام محمد غوث خان از عارضه بیماری انتقال نمود سیف جنگ
 از اتفاق ابوالخیر خان شمس الامرا بعلاقه بخشی گری از حضور سر فرزند شد و ناموری
 از برادر خود زیاده پیدا نمود الحال یک فرزند از سیف جنگ مسی بجین میان سیف الدوله
 و یک فرزند علاء الدوله بنام غالب جنگ حاضر است - کیفیت سید عاقل خان